

# تفسیر سوره تکوین (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۲/۳۱

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ (۱) حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲) كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳) ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴) كَلَّا لَوْ  
تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷) ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ  
النَّعِيمِ (۸)

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

مسابقه در ثروت اندوزی و جاه طلبی شما را سرگرم کرد و از مقصد بازداشت، (۱) تا آن گاه که مرگتان فرارسید و گورهای خود را دیدید. (۲) چنین نکنید! به زودی خواهید دانست که فرجام شوم این سرگرمی چیست. (۳) آری، چنین نکنید! به زودی خواهید دانست که فرجام شوم این سرگرمی چیست. (۴) هرگز چنین نکنید، که اگر به علم یقینی دست بیابید، (۵) بی گمان دوزخ را در این جهان به چشم دل خواهید دید. (۶) سپس آن را قطعاً روز قیامت به مشاهده یقینی خواهید دید. (۷) سپس آن روز که دوزخ را بنگرید، درباره هرنعمتی که به شما ارزانی شده است از شما سؤال خواهد شد. (۸)

### موضوع محوری سوره

موضوع محوری سوره تکاثر غفلت و دور ماندن به سبب فزون طلبی و زیاده خواهی است و پیامدهای ناگوار این غفلت را در اثر این تکاثر بیان می کند. ضمن اینکه لحن آیه لحن تهدید است و مخاطبین را به وجه شدیدی تهدید می کند.

### شناسه سوره

در اینکه این سوره مکی هست یا مدنی هست، دلیل روشنی که ما را به قطع برساند در اینجا نیست؛ چون مفاد آیه هم با مکی بودن سوره و هم با مدنی بودن سوره سازگار است. هر چند برخی از مفسران به خاطر برخی از روایات شان نزول گفته اند که این سوره در مکه نازل شده که حالا این روایات شان نزول را هم به موقع اشاره می کنیم.

## آیه اول

### أَلْهَاكُمُ

اولین آیه أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ هست أَلْهَا از لَهُو است. لَهُو یعنی مشغول شدن و منصرف شدن از یک امر مهمی به خاطر یک امر دیگری. یعنی یک عمل یا یک شی که اهمیت کمی دارد ما را از یک عمل یا یک هدف مهم تر و اساسی تر باز می دارد. برخی ها گفته اند که صرف مشغول شدن به یک امر کم اهمیت و باز ماندن از یک امر مهم صرفا این أَلْهَا نیست؛ بلکه باید همراه با یک میل و علاقه و گرایش قلبی باشد. یعنی یک امر قلبی گرایش قلبی، یک تمایل، یک هوای نفسی زمینه شده باشد و انسان را از یک امر مهمی باز داشته باشد.

قرآن کریم هم در سوره انبیا آیه ۳ می فرماید لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ؛ یعنی لهو را وصف قلب کرده است. قلب های اینها دچار لهو است. یعنی لهو در واقع وصف ذهن نیست، وصف عقل نیست، وصف اعمال نیست، وصف اعضا و جوارح نیست. این دل انسان است که دچار لهو می شود و این دل انسان است که در واقع یک امر بسیار مهم را رها می کند و تمایل به گرایش به یک امر مادون دارد.

خُب معنای لهو این شد. معنای أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ چه می شود؟ تَكَاثُرٌ از كَثُرَ است و از باب تفاعل است، یعنی زیاده خواهی، فزون طلبی. در این سوره ذکر نشده که مُرَاد فزون خواهی در چه چیزی است. باید در واقع از بررسی های آیات دیگر پاسخ این سوال را پیدا بکنیم.

این آیه می فرماید که صرف تکاثر و زیاده خواهی شما را دچار لهو می کند و شما از امور بسیار مهم باز می دارد. این معنای ظاهری است. باز واژه کثرت در اینجا به باب تفاعل است. باز همان بَيْنَ الْأَسْمِينِ که در سوره عصر درباره توأسی عرض کردیم، اینجا هم هست؛ یعنی این تکاثری که در میان شما هست و این زیاده خواهی کانه اجتماعی شده است، یک هدف اجتماعی شده است. همه شما دچار این زیاده خواهی شده اید. بدانید که شما را از یک امر بسیار مهمی باز می دارد.

درباره این دو آیه باید به دوتا پرسش پاسخ بدهیم؛ اول اینکه مصادیق و موارد این لهو چیست؟ چه چیزهایی ما را باز می دارد؟ نکته دوم این هست که ما از چه چیزی بازداشته می شویم. آن امر مهمی که قرآن کریم می فرماید تکاثر و شما را از آنها باز می دارد چیست؟

درباره پرسش اول در سوره منافقون آیه ۹ خداوند متعال می فرماید که ای کسانی که ایمان آوردید مراقب باشید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.

مراقب باشید اموال شما و اولاد شما، شما را دچار لهو نکنند، شما را غافل از ذکر خدا نکنند. بعد در ادامه ذکر می فرماید **وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ**. اگر کسی دچار این لهو شد او در واقع دچار خسران و زیان شده است. و براساس آیه ۹ سوره منافقون این اموال و اولاد هستند که باعث لهو می شوند؛ یعنی کثرت و زیاده خواهی در اموال و اولاد.

در سوره حجر آیه ۳ فرمود: **ذُرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ**.

آنها را رها کن این مشرکان را رها کن تا بخورند و لذت ببرند و امل یعنی آرزوهای دراز آنها را دچار لهو بکنند، دچار غفلت بکنند. پس در این سوره می فرماید که آرزوهای طولانی، آرزوهای مدیریت نشده، آرزوهایی که یکی پشت سر هم می آید و در واقع ما را از آن امور مهم باز می دارد، اینها مصداق تکاثر هست.

در سوره عنکبوت آیه ۶۴ می فرماید: **وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ**.

فرمود اصولاً خود حیات دنیوی لهو و لعب است؛ یعنی توسعه داد در مصداق. در واقع لهو نه اینکه صرفاً مال، شما را باز بدارد. نه اینکه صرفاً اولاد، شما را باز بدارد. نه اینکه آرزو باز بدارد. خود زندگی دنیوی و خود حیات دنیوی لهو و لعب است؛ یعنی همه مظاهر دنیوی و همه فعالیت های شما، شما را باز می دارد از یک امر مهمی باز می دارد. این آیه شریفه توسعه داد مصادیق دیگر را.

حالا اینکه چرا خود حیات دنیوی در واقع لهو هست و خود ذات زندگی دنیوی همه مظاهرش، همه مصادیقش باعث لهو می شود و ما را از یک امر مهمی باز می دارد، این شرح و بسطش انشاءالله اگر توفیق پیدا کردیم در سوره تین به آن می رسیم که چرا قرآن کریم حیات دنیوی را اینگونه توصیف کرده است؟

پس مجموعه این سه آیه این شد **آیه اول فرمود اولاد و اموال آیه دوم فرمود آرزوها آیه سوم فرمود خود زندگی دنیوی تان شما را دچار لهو می کند و دچار بازی می کند؛ یعنی صرف نظر از تکاثر، خود دنیا چه در آن تکاثر باشد چه نباشد غفلت زاست، لهو است. شما را باز می دارد باید مراقب باشید؛ یعنی مراقب همه شئون زندگی تان باشید، مراقب همه حالات زندگی باشید، مراقب همه مصادیق زندگی باشید. فکر نکنید فقط اموال یا اولاد یا آرزو شما را دچار لهو می کند.**

نکته بعد این بود که خب ما را از چه چیزی باز می دارد. این تکاثری که در این سوره آمده ما را از چه چیزی غافل می کند. از چه چیزی باز می دارد؟ در سوره منافقون آیه اش را خواندیم در واقع به این پرسش هم پاسخ داد **لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ** اموال و اولاد، شما را از ذکر خدا باز ندارد.

در سوره حجر نفرمود از چه چیزی شما را باز بدارد. در سوره عنکبوت هم نفرمود که از چه چیزی شما را باز می دارد؛ ولی در سوره منافقون فرمود **عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ**. در سوره نور آیه ۳۷ هم همینطور می فرماید که تجارت و بیع شما را از ذکر خدا باز ندارد. موقعی که انسان ها برگزیده و ربانی را می خواهد توصیف بکند **رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ**: مردان الهی، انسان های برگزیده و ربانی، کسانی هستند که تجارت و بیع آنها را از یاد خدا و اقامه نماز و ایتا زکات دادن باز نمی دارد. **(رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ)**.

تجارت یعنی کسب و کار. بیع یعنی خرید و فروش. می گوید فلانی تاجر است؛ یعنی شغلتش تجارت است؛ یعنی صبح تا شب در واقع این عنوان در او صدق می کند. ولو خرید و فروشی هم نداشته باشد. اما بایع و بیع به کسی می گویند که یک کالای عمده خاصی را فروخته یا خریده، یک عمل بیع را انجام داده است. این آیه می خواهد بفرماید که نه شغل شان که مستمرا درگیر هستند و نه خرید و فروش هایی که انجام می دهند، هیچ کدام آنها را از ذکر خدا باز نمی دارد و از اقامه نماز و دادن زکات باز نمی دارد.

مرحوم علامه طباطبایی به درستی فرمودند که اقامه نماز خودش ذکر است؛ ذکر عملی. نماز خودش ذکر است قرائت ذکر است، تکبیر الاحرام ذکر است، استقبال و رو به قبله ایستادن در نماز ذکر است. چون ما موقعی که رو به قبله می ایستیم یاد خدا می افتیم. رکوع ذکر است، سجده ذکر است. همه اجزا و ارکان نماز ذکر است منتهی ذکر عملی هست.

زکات دادن هم باز ذکر عملی است. کسی که برای خدای انفاق می کند؛ حالا زکات در این آیه چه به معنای مدت انفاق باشد و چه به معنای زکات خاص باشد. خود زکات دادن برای خدا ذکر است؛ یعنی هر عمل صالحی که انجام می دهیم ذکر عملی است. لذا وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند: **«مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ وَمَنْ كَانَ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ وَالطَّاعَةُ عَلَامَةُ الْهُدَايَةِ وَالْمَعْصِيَةُ عَلَامَةُ الضَّلَالَةِ وَأَصْلُهُمَا مِنَ الذِّكْرِ وَالْغَفْلَةِ. فَاجْعَلْ قَلْبَكَ قِبْلَةً لِسَانَكَ لَا تُحَرِّكُهُ إِلَّا بِأَشَارَةِ الْقَلْبِ وَمُؤَافَقَةِ الْعَقْلِ وَرِضَى الْإِيمَانِ فَإِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ بِسِرِّكَ وَجَهْرِكَ وَكُنْ كَالنَّازِعِ رُوحَهُ أَوْ كَالوَاقِفِ فِي الْعَرْضِ الْاَكْبَرِ؛** هر که حقیقتاً و از صمیم قلب به یاد خدا باشد او بنده مطیع خداست. و هر که در جریان امور و حالات خود از خدا غافل

باشد او بنده عاصی است و اطاعت خدا علامت هدایت پیدا کردن و معصیت، علامت گمراهی است و اصل و ریشه اطاعت و معصیت، ذکر پروردگار متعال و غفلت از اوست».

یعنی اطاعت و ذکر با هم تلازم دارند. هر اطاعتی ذکر خداست و هر معصیتی غفلت از خداوند متعال هست. بنابراین مراد از ذکر الله در سوره نور ذکر قلبی است، ذکر زبانی و قلبی است. اقامه نماز و دادن زکات ذکر عملی هست. با توجه به این تفصیلی که در سوره نور آمده می فهمیم که مراد از ذکر الله که در سوره منافقون آمده است اعم از ذکر قلبی و زبانی و عملی هست.

خب مجموع آیه سوره منافقون و آیه سوره نور به ما می فرماید و می فهماند که تکاثر شما را از ذکر خدا باز می دارد. حالا ذکر خدا غایت نهایی است یا نه در واقع یک امر دیگری فراتر از ذکر خدا هست و قرآن می خواهد بفرماید که تکاثر شما را از آن امر فراتر غافل نکند و باز ندارد که انشالله در جلسه بعد به آن برسیم.